

روزانه است. آن هم ایران
تیمبرستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✓ ۱۲۵۶



دانشگاه قم
دانشکده علوم انسانی

۱۳۸۱ / ۱۵ / ۲۱

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع:

بررسی فقهی موسیقی، تصویر و مجسمه سازی

در مذاهب خمسۀ اسلامی

استاد راهنما:

آیت الله حسین کریمی

استاد مشاور:

حجة الاسلام محمد جواد حیدری کاشانی

نگارش:

جواد قلی نژاد لردی

زمستان ۱۳۸۰

۴۱۵۷

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

تقدیر و تشکر:

سپاس خود را تقدیم می‌دارم به همه معلمین و اساتید محترمی که در طول دوران تحصیل همچون پدری مهربان هدایت‌گر را هم بودند به مؤسس و استاد بزرگوار حوزه علمیه امام جعفر صادق علیه السلام نکا حضرت آیت‌الله حاج شیخ رضا صادقی گلوردی بویژه استاد محترم راهنما حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسین کریمی و استاد محترم مشاور حضرت حجة الاسلام محمدجواد حیدری کاشانی که با زحمت فراوان این جانب را در تدوین این وجیز راهنمایی فرموده‌اند همچنین از خانواده عزیز و مهربان پدر و مادر گرامیم و خانواده بزرگوار همسر محترم که صبورانه مرا تحمل نموده‌اند و برادر ارجمندم آقای محمدرضا صادقی که تایپ این پایان‌نامه را به عهده داشتند کمال تشکر را دارم.

(هذا من فضل ربي)

تقديم به:

پیام آوران مکتب وحی (صلوات الله علیهم اجمعین) و به پیشگاه قطب عالم امکان (روحی و ارواح العالمین له الفدا) به علمای بزرگواری که همچون مصباحی فروزان مسیر حرکت انسانهای طالب حق را روشن نموده تا آنان را از ظلمات جهل و شبهه برهانند به خانواده زحمتکش و به همسر صبورم.

چکیده:

با استعانت از ایزد منان کار این پایان‌نامه را اینگونه شروع نموده‌ام که در ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در اهمیت بحث در رابطه با موضوعات اتخاذ شده آورده و پس از آن در فصل اول تاریخچه‌ای مختصر از موسیقی و غناء و مجسمه‌سازی و تصویر بیان شده است در فصل دوم به تعریف هر یک از واژگان پرداخته شده که به دو مبحث تقسیم شده است. اول تعریف لغوی و در مبحث دوم تعریف اصطلاحی گنجانده شده است. در این حوزه از بحث اختلافات فراوانی هم بین علمای لغت و هم فقهای بزرگوار وجود دارد. در فصل سوم که به دو بخش تقسیم شده و هر بخش به دو مبحث منشعب گشته به بیان حکم هر کدام از موضوعات خواسته شده از نظر فقهای عامه و خاصه پرداخته شده است و در فصل چهارم که مانند فصل قبل از دو بخش و هر کدام از دو مبحث تشکیل شده به بیان دلایل و مستندات هر دو گروه از علماء خاصه (امامیه) و عامه (اهل سنت) پرداخته شده است. در فصل پنجم به مسائلی که بنا به ضرورت بحث نیاز افتاد پرداخته شده که به آثار وضعی موسیقی (غناء) اشاره دارد و در پایان فرهنگ رساله و منابع و مآخذ را آورده‌ام.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	مقدمه
	□ □ □
۱۰	فصل اول: تاریخچه
۱۲	تاریخچه مختصری از مجسمه سازی و نقاشی
	□ □ □
۱۵	فصل دوم: تعاریف
۱۶	مبحث اول: تعریف لغت شناسان (لغوی)
۲۰	موسیقی چیست؟
۲۱	تعریف مجسمه و تصویر
۲۳	مجسمه چیست؟
۲۴	مبحث دوم: تعریف فقهاء (اصطلاحی)
۲۹	ترجیع چیست؟
۲۹	طرب چیست؟
۳۱	غناء از مقوله صوت است یا کلام؟
۳۳	تعریف اصطلاحی مجسمه و تصویر:
۳۷	اقسام مجسمه و نقاشی:
	□ □ □
۳۸	فصل سوم: احکام
۳۹	بخش اول: حکم موسیقی (غناء)
۳۹	مبحث اول: حکم موسیقی (غناء) در فقه شیعه
۳۹	نظرات فقهاء امامیه:
۴۴	ارائه چند دیدگاه
۴۵	دیدگاه اول:
۴۵	دیدگاه دوم:

۴۹	دیدگاه سوم:
۴۹	آنچه که از حکم غناء استثناء شده است:
۴۹	اول: غناء در زفاف عروسی ها:
۵۱	ادله جواز غنا در عروسیها:
۵۱	دوم: آوازخوانی در اعیاد و ایام فرح
۵۲	سوم: خدا
۵۲	چهارم: چهارم مرثی
۵۲	پنجم: در قرائت قرآن
۵۳	آلات موسیقی
۵۴	«نظرات فقهای معاصر شیعه»
۵۶	مبحث دوم: حکم موسیقی (غناء) در فقه اهل سنت
۵۸	۱. شافعیان:
۵۸	۲. حنفیان:
۶۳	بخش دوم: حکم مجسمه سازی و تصویر
۶۳	مبحث اول: حکم مجسمه و تصویر در فقه شیعه
۶۷	حکم عکاسی
۶۹	در بیان حکم ساختن مجسمه و تصویر بصورت ناقص:
۷۱	مبحث دوم: حکم مجسمه سازی و تصویر در فقه اهل سنت
۷۱	بیان نظرات فقهای عامه در خصوص مجسمه و تصویر:



۷۴	فصل چهارم: مستندات
۷۵	مبحث اول: دلایل فقهای امامیه (شیعه)
۷۵	دلیل اول - قرآن کریم
۷۹	دلیل دوم: اجماع
۸۱	دلیل سوم: روایات
۸۲	طایفه اول:
۸۷	طایفه دوم:
۸۹	طایفه سوم:
۹۰	طایفه چهارم:
۹۷	طایفه پنجم:
۹۹	مبحث دوم: دلایل فقهای اهل سنت در بیان حکم
۹۹	موسیقی (غناء)

۹۹	قائلین به حرمت غناء
۱۰۰	سنت نبوی ۶
۱۰۱	الآثار:
۱۰۲	قیاس:
۱۰۳	دلیل قائلین به جواز غناء:
۱۰۳	قرآن کریم:
۱۰۴	سنت نبوی ۶:
۱۰۴	آثار:
۱۰۵	قیاس:
۱۰۶	بخش دوم: دلایل حکم مجسمه‌سازی و تصویر
۱۰۶	آنچه در قرآن کریم در باره مجسمه و تصویر وارد شده است
۱۰۸	ب: اجماع:
۱۱۰	نقد اجماع:
۱۱۰	ج: روایات:
۱۱۷	دلایل اهل سنت در بحث مجسمه و تصویر
۱۲۰	حکم نگهداری مجسمه و تصویر:



۱۲۴	فصل پنجم: مسائل متفرقه
۱۲۵	لهو چیست:
۱۲۹	لعب چیست؟
۱۳۰	مضرات موسیقی (آثار وضعی موسیقی (غناء))
۱۳۰	غناء در علم جدید:
۱۳۰	۱. غناء و فشار خون:
۱۳۱	۲. غناء و بیماریهای اعصاب:
۱۳۲	۳. غناء و سر درد (صداع):
۱۳۲	۴. غناء و سکته قلبی:
۱۳۲	۵. غناء و ناآرامی جنین:
۱۳۴	فرهنگ رساله
۱۳۶	چکیده انگلیسی
۱۳۷	منابع و مأخذ

مقدمه:



مقدمه

الحمد لله الذي بعث الانبياء بالحق ليخرج عباده من الظلمات الى
النور و جعل العلماء ورثة الانبياء و اخذ منهم وسيلة للنجاح و صلى الله
على سيدنا و سيد الانبياء ابي القاسم مصطفى محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اله الطاهرين
الدعاة الى الله و الناشرين لاحكام الله.

از کاراترین عوامل حفظ و نشر دین و احیا و توسعه علوم و معارف دینی وجود فقهای
راستین و هوشمند و پرتلاش اسلام است.

فقه، عبارت است از به نمایش گذاردن دین، در همه ابعاد و با تمام شئون در عرصه
زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

اگر فقاقت نبود اسلام و معارف اسلامی هم نبود. حفظ دین، نشر معارف توحیدی،
حیات و بقای احکام الهی، حاکمیت ارزشهای متعالی بر جوامع انسانی، همه و همه،
بی‌گرافه‌گویی، رهین مجاهدتهای هوشمندانه و به موقع فقهای دین‌شناس، آگاه به شرایط و
مقتضیات زمان و درد آشناست.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در باره فقهای چون: زرارة بن اعین، محمد بن مسلم، ابو بصیر و...
می‌فرماید:

«لولا هؤلاء لا ندرست آثار النبوة»^(۱)

«اگر آنان نبودند، آثار نبوت و زحمات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کهنه می‌شد.»

سخن حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این خصوص، ترجمانی است از این‌گونه روایات:

۱- وسائل الشیعه: شیخ حر عاملی (سنه ۱۱۰۴ هـ ج ۱۸، ص ۱۰۳) دار احیاء التراث العربی، بیروت، تحقیق شیخ
عبدالرحیم ربانی شیرازی.

«این فقها هستند که حصون اسلام هستند و حفظ کردند اسلام را»^(۱)
 مقتضای درایت در آن روایت این است که فرمایش امام صادق علیه السلام مخصوص به
 نامبردگان در حدیث شریف نیست، بلکه سخن امام صادق علیه السلام کبرایی است که بر بعض
 صغریات و مصادیق تطبیق شده است.
 پر واضح است که در هر عصری و مصری نخبگان و بزرگانی وجود داشته و خواهند
 داشت که از مصادیق بارز سخن امام صادق علیه السلام هستند.
 شاهد و گواه درستی این برداشت از روایت امام علیه السلام روایت دیگری از آن امام همام است
 که فرمودند:

«فان فينا اهل البيت في كل خلف عدولا ينفون عنه تحريف الغالين و
 انتحال المبطلين و تأويل الجاهلين»

«میان ما اهل بیت، در هر نسلی، مردان عالم و عادل و وجود دارند که با تحریف افراد خارج از
 حد اعتدال و تأویل اشخاص نادان و ادعاهای ناهلان مبارزه می‌کنند»^(۲)

کشف و استخراج احکام و مقررات اسلامی، همواره باید از منابع شناخته شده و معتبر
 فقهی و از راه به کار بستن قوانین اصول فقه انجام پذیرد.
 هر راهی جز این دین خدا را دستخوش تحریف جاهلان و تبهکاری منحرفان خواهد
 ساخت. درست است که مقتضیات زمان و مکان و واقعیات روز و پیشرفت علوم می‌تواند
 موضوعات را متغیر و به تبع آن احکام الهی را متحول نماید، اما این به معنای درهم ریختن
 موازین و معیارها نیست.
 تحقیق و تألیف در زمینه مورد نیاز جامعه اسلامی کار یک تن و دو تن نیست زیرا
 محدودیت وقت از یک طرف، و ظرافت و دقیق بودن مسائل فقهی از طرف دیگر علاوه بر
 گستردگی و پیچیدگی تشکیلات و شبهات کاری فراگیر و تلاشی همه جانبه و هماهنگ از
 جانب دانشمندان اسلامی را طلب می‌کند. تا اینکه این مسائل به درستی برای جامعه تبیین و از
 بوته ابهام و اجمال در آید.

۱- صحیفه نور مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی رضی الله عنه، ج ۱۴، ص ۲۲۹، وزارت ارشاد اسلامی.
 ۲- اصول کافی ثقة السلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، سنه ۳۲۸-۳۲۹، ج ۱، ص ۳۹،
 حدیث ۲، انتشارات علمیه اسلامیة، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی.

حضرت امام خمینی ره سخنان شیوایی در این باره دارند که فرازهایی از آن نقل می‌شود: ... و مبدا خدای ناخواسته اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی خصوصاً فقه به طریق سلف صالح و بزرگان و مشایخی همچون شیخ الطایفه و امثاله (رضوان الله تعالی علیهم) و در متأخرین همچون صاحب جواهر و شیخ بزرگوار انصاری (رضوان الله تعالی علیهم) باز دارد.

اسلام اگر خدای ناخواسته هر چیزش از دستش برود ولی فقهش به طریق موروث از فقهاء بزرگ بماند به راه خود ادامه خواهد داد ولی اگر همه چیز بدستش آید و خدای ناخواسته فقهش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. ^(۱) اسلام همیشه در صدد بوده که بشر بتواند از تمام ظرفیتها، استعدادها و تواناییهای خود در همه زمینه‌ها و شؤون مختلف زندگی کمال بهره‌برداری را بنماید. در این مسیر یکی از مسائلی که مورد توجه دین مقدس اسلام قرار گرفته مسأله هنر می‌باشد. قرآن کریم را می‌توان برترین اثر هنری دانست که از طرف خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. برترین هنرنمایی را می‌توان در عالم خلقت یافت. خود انسان با پیچیدگی منحصر به فرد فیزیکی و روحی که دارد یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیز هنری در عالم می‌باشد. بشر که طبق قرآن مجید خلیفه خداوند در زمین است از این موهبت الهی بی‌بهره نمانده است و خداوند در وجود انسان این استعداد را به ودیعه گذاشته است، پس بشر باید در استفاده از این امانت همانگونه که صاحب امانت خواسته عمل کند. تا حق امانت‌داری را رعایت کرده باشد. بشر باید در بکارگیری استعدادهای خود طوری عمل نماید که مخالف هدف اصلی او که همان رسیدن به مرحله عبودیت است نباشد و او را از آن مسیر دور نگرداند خداوند بشر را به خود واگذار نکرده است بلکه برای او قوانین و مقرراتی قرار داده تا در سایه عمل به آن دستورات راه کمال را بی‌ماید. دین مبین اسلام هر کجا که بشر در استفاده از استعدادهای نهفته در ضمیر خود برای رسیدن به کمال، استفاده درست نموده او را مورد تشویق و تحسین قرار داده و هر گاه از مسیر اصلی، خواست منحرف شود او را باز داشته و اگر دست به عمل خلاف مصلحت خود زد او را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار

۱- صحیفه نور (ج ۱۷، ص ۲۰۵، این پیام در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۲ ه.ش) صادر شده است. تاریخ چاپ بهمن ۶۱، انتشارات شرکت سهامی، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.

داده و برای آن کیفر تعیین نموده است. هنر نیز هر گاه در خدمت چنین هدفی بوده مورد تشویق قرار گرفته است نمونه بارز آن تشویق و ترغیبی که نسبت به نیکو تلاوت نمودن قرآن وارد شده است می باشد.

(هر انقلابی هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود شاخص نفوذ و گسترش ندارد)^(۱)

یکی از موضوعات مبتلا به جامعه که نیاز فراوان به بررسی و تحقیق پیرامون آن احساس می شود مسأله هنر به ویژه موسیقی و غنا و مجسمه سازی و تصویر می باشد.

هنر را می توان مهمترین وسیله برای بیان عقاید و نظرات انسان به همنوع خود دانست، خلاقیت بشر در ایجاد زیبایی های هنری آنقدر زیاد است که گاهی با یک تابلو نقاشی و یا اثر هنری دیگر، می تواند مطلب یک کتاب قطور را به مخاطب القاء کند. هنر مظهر زیبایی دوستی بشر است، و این حس سر منشأ ایجاد کارها، و آثار هنری از قدیم الایام بوده است. گرایش به زیبایی و دوری از زشتی، فطری است. هر انسانی، به طبع فطرت اولیه خود، نغمه خوش و آهنگ دلنشین و منظره چشم نواز را دوست می دارد.

این حس به کمک نیروی خیال به دگرگونی پیرامون شخص منجر می شود و انسان را به آفرینش آثار هنری وا می دارد.

زبان هنر زبان انتقال احساس خویشتن نسبت به هستی و موجودات آن به مخاطب است، و این مخاطب می تواند شخص خاص با ملیت و قومیت خاص نباشد، بلکه با زبان هنر می توان با تمامی انسانهای کره خاکی ارتباط برقرار کرد با او سخن گفت و پیام خویش را به او منتقل نمود.

زبان هنر را هرکس به مقدار فهم و آگاهی خود می فهمد و نیاز به مکتب و مدرسه و دانشگاه ندارد هر چند این امور در فهم بهتر و عمیق تر اثر هنری کمک خواهند کرد.

هنر از ابتدای پیدایش فقه از موضوعات مورد بحث فقهاء بوده ولی انسجام خاصی در متون فقهی برای آن ایجاد نشده است و به فراخور تناسب موضوع به آن پرداخته شده است، مثلاً در جایی بحث خرید و فروش اثر هنری مطرح شده است و در جایی دیگر جواز و عدم

۱- حضرت آیت الله خامنه ای، کتاب هنر، ج اول، ص ۱۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران ۱۳۶۷.

جواز استعمال آن اسلام نه تنها مخالف با هنر نیست بلکه مشوق شکوفای هنر بشر است ولی آنچه که مهم است جلوگیری از انحراف و افراط و تفریط است می‌کوشد استعداد های بشری را بر فرایند تکامل به گونه‌ای رهبری نماید که تولید مفساد اجتماعی نکند و با اصلاح یک بعد دیگر به فساد و تباهی گرفتار نشود.

امروزه یکی از بحث‌های مهم فقهی بحث هنر و اثر هنری است. که از جمله آن می‌توان به موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی اشاره نمود که انشاءالله با استعانت از حضرت حق به تبیین جایگاه این بخش از هنر در فقه اسلامی خواهیم پرداخت.

حکم غنا مانند بسیاری از احکام شرعی و فرعی دیگر یک حکم تبعیدی است که پس از تحقیق در اصول عقاید و شناخت محققانه خداوند متعال و فرستادگان او باید تبعداً به دستورات و احکام صادره از طرف آنها عمل نمود، همچنانکه همه عقلاء عالم پس از احراز پزشک بودن و حاذقیت یک شخص، به دستورات پزشکی او عمل می‌کنند.

و همچنین بر طبق قاعده ملازمه، (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل) که مفاد آن این است که هر جا عقل یک مصلحت یا مفسده قطعی را کشف کند به دلیل لمی (از راه استدلال از علت به معلول) حکم می‌کند که شارع مقدس در این مورد حکمی دائر بر استیفای آن مصلحت یا دفع آن مفسده دارد؛ هر چند آن حکم از طریق نقل به ما نرسیده باشد و هر جا که یک حکم و جویی یا استحبابی یا تحریمی و یا کراهتی وجود دارد. عقل به دلیل انی (از راه استدلال از معلول به علت) کشف می‌کند که در اینجا مصلحت یا مفسده‌ای وجود دارد هر چند بالفعل عقل ما از وجود آن مصلحت یا مفسده آگاه نباشد. (۱)

مراد از آهنگ اصواتی است که در نوع خاصی از بیان هنری شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که بتواند محرک لازم را در مخاطب ایجاد کرده و احساس او را برانگیزد خواه این احساس، احساس لذت و زیبایی باشد و خواه احساس حزن‌آور. مقصود از آهنگ همان چیزی است که در زبان معاصر نام «موسیقی» بر آن نهاده شد.

موسیقی سرود و آواز خوشی است که از گلو یا ساز بیرون آید.^(۱)
 برای آهنگهای متفاوتی که وجود دارد اسلام احکام متفاوتی دارد که بعضی را نیکو
 شمرده و خواهان گسترش آن است مانند آنچه که در ذیل می آید.
 در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «هیچ پیامبری مبعوث نگردیده مگر اینکه
 دارای صوت نیکو بوده است.»^(۲)

و همچنین از آن حضرت نقل شده است که: از زیباترین زیباییها، موی زیبا و نغمه آواز
 خوش است.^(۳)

ابن ابی الحدید در باره صدای حضرت داوود علیه السلام می نویسد که: به حضرت داوود، نغمه
 خوش و دلپذیری عنایت شده بود، به گونه ای که پرنندگان هنگام نغمه سرایی وی، در محراب
 عبادت وی، جمع می شدند و حیوانات بیابان نیز به مجرد شنیدن صدای وی، به او نزدیک
 می شدند و از شدت تاثیر جذبه صدای خوش او حضور مردم [و خطرهای ناشی از آن] را
 فراموش می کردند.^(۴)

امیر مؤمنان علی علیه السلام حضرت داوود علیه السلام را صاحب مزامیر وقاری اهل بهشت معرفی
 کرده است^(۵) و چنین روایاتی که ائمه اطهار و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دارای صوت نیکو
 خوانده اند در کتب روایی زیاد است.

و همچنین بخشی از آهنگها را ممنوع کرده است که با توجه به روایات فراوانی که در **نهی**
از استئفال به غناء و استفاده از ابزار موسیقی وارد شده است. اکثر فقهاء را بر آن داشته
 که از این روایات حرمت غناء را استنباط کنند.

با این همه در موضوع غنای حرام، اختلاف زیادی وجود دارد. تا آنجا که مفهوم غناء
 ضرب المثل مفهوم مجمل در میان اصولیها شده است.

از سوی دیگر، اختراع و استعمال وسائل و ابزارهای جدید موسیقی نیز می تواند در ابهام

۱- فرهنگ نظام، سید محمدعلی داعی الاسلام ج ۵/۲۶۰ چاپ امیرکبیر (دانش) چاپ دوم ۱۳۶۴.
 ۲- اصول کافی، با ترجمه و شرح سید هاشم رسول، ج ۴، ص ۴۲۰، کتاب فضل القرآن باب ترتیل القرآن با
 اصوات الحسن، حدیث ۱۰.
 ۳- همان مدرک، حدیث ۸.
 ۴- «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید، ج ۹/۲۳۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
 ۵- ترجمه نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام مرحوم محمد دشتی خطبه ۱۶۰ ص ۲۹۹.